Jurisprudence and Legal Studies of Media Journal
VOL. 8 / Autumn 2026 and Winter 2027 / NO. 2 (Serial 16)

The framework of media freedom of expression in the upstream documents of the Islamic Republic of Iran

Mohammad Hosein Rahimi[1] 0009-0008-6265-7186
Meysam Farokhi[2] 0000-0003-0430-7192

Abstract

Freedom of expression is one of the universal concepts that has always been subject to various definitions and interpretations across different geographies and governments. This study was conducted with the aim of explaining the framework of media freedom of expression in the upstream documents of the Islamic Republic of Iran, employing a qualitative approach and utilizing thematic analysis strategy. The statistical population of the research includes all official upstream documents in the fields of culture, media, and communication. Using a purposive (judgmental) sampling method, key documents including the Constitution, the Charter of Citizens' Rights, the General Media Policies, and parent laws were selected and analyzed. The research findings indicate that the governing framework of media freedom of expression is derived from a multi-layered synthesis of theoretical foundations, including social responsibility, developmental, jurisprudential (fiqhi), and discourse-based principles. This framework can be formulated into five main and interconnected axes: "Conditional and Responsible Freedom," "Institutional Oversight and Regulation," "Media as a Tool for Cultural Guidance," "Legal and Structural Dimensions," and "Normative and Security Restrictions." Collectively, these axes delineate an indigenous model of "Guided Freedom under the Auspices of Responsible Oversight," in which the right to freedom of expression is recognized, yet this inherent right, within the context of an Islamic government, is defined as bound and conditional upon adherence to "the foundations of Islam," "public rights," "national security," and "Islamic-Iranian values." In this model, the media is perceived not as an independent entity or a pure public watchdog, but as a guiding actor and an instrument serving the preservation and strengthening of the Islamic-Iranian system, cultural protection, and national security. This coherent framework could provide a basis for reducing interpretive and functional conflicts, which are the locus of many disputes in Iran's media sphere, within the country's media landscape.

Keywords: Freedom of Expression, Media, Upstream Documents of the Islamic Republic of Iran, Thematic Analysis, Media Governance.

1- PhD student, Media Management, Culture and Art, Comprehensive University of the Islamic Revolution, Tehran, iran (corresponding author of the article) rahimimh@ut.ac.ir
2- Associate Professor, Department of Communications and Cultural Studies, Tehran Welfare Faculty, Tehran, iran farokhi@refah.ac.ir

دوفصلنامه
مطالعات فقه و حقوق رسانه
دانشکده غیردولتی – غیرانتفاعی رفاه

دوره ۸، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)
پاییز و زمستان ۱۴۰۵
صص: ۷-۳۷

چهارچوب آزادی بیان رسانه در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی
DOI: 10.22034/jlsm.2026.2086718.1101
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۸ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۵/۱۲

محمدحسین رحیمی[۱] میثم فرخی[۲]

چکیده

آزادی بیان یکی از مفاهیم جهانی است که همواره در جغرافیا و حکومت‌های مختلف تعاریف و برداشت‌های گوناگونی از آن صورت می‌گیرد. این پژوهش با هدف تبیین چهارچوب آزادی بیان رسانه‌ای در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، با رویکردی کیفی و با استفاده از راهبرد تحلیل مضمون (با رویکرد قیاسی) انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه اسناد بالادستی رسمی در حوزه فرهنگ، رسانه و ارتباطات را شامل می‌شود که با روش نمونه‌گیری هدفمند (قضاوتی)، اسناد کلیدی از جمله قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی، سیاست‌های کلی رسانه و قوانین مادر، انتخاب و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چهارچوب حاکم بر آزادی بیان رسانه‌ها، برآمده از تلفیقی چندلایه از مبانی نظری مسئولیت اجتماعی، توسعه‌ای، فقهی و گفتمانی است که در قالب پنج محور اصلی و به‌هم‌پیوسته قابل صورت‌بندی است: «آزادی مشروط و مسئولیت‌پذیر»، «نظارت و تنظیم‌گری نهادی»، «رسانه به‌مثابه ابزار هدایت فرهنگی»، «ابعاد حقوقی و ساختاری» و «محدودیت‌های هنجاری و امنیتی». این محورها درمجموع، الگوی ترکیبی «آزادی هدایت‌شده در سایه نظارت مسئولیت‌پذیر» را ترسیم می‌کنند که در آن حق آزادی بیان به‌رسمیت شناخته می‌شود؛ اما این حق ذاتی، در بستر حکومت اسلامی، مقید و مشروط به رعایت «مبانی اسلام»، «حقوق عمومی»، «امنیت ملی» و «ارزش‌های اسلامی-ایرانی» تعریف شده است. در این مدل، رسانه نه یک نهاد مستقل یا دیده‌بان عمومی محض، بلکه بازیگری هدایت‌گر و ابزاری در خدمت حفظ و تقویت نظام اسلامی-ایرانی، صیانت فرهنگی و امنیت ملی تلقی می‌شود. این چهارچوب با صورت‌بندی پنج محور و ارائه یک مدل ترکیبی، ارزش افزوده نظری قابل‌توجهی نسبت به پژوهش‌های پیشین ایجاد می‌کند و می‌تواند مبنایی برای کاهش تعارضات تفسیری و عملکردی که محل مناقشات بسیاری در فضای رسانه‌ای ایران است، در عرصه رسانه‌ای کشور فراهم آورد.

واژگان کلیدی:

آزادی بیان، رسانه، اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، تحلیل مضمون، حکمرانی رسانه‌ای.

---

۱. دانشجوی دکتری مدیریت رسانه دانشگاه جامع انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول) rahimimh@ut.ac.ir
۲. دانشیار، گروه ارتباطات و مطالعات فرهنگی، دانشکده رفاه، تهران. farokhi@refah.ac.ir

مقدمه

از شکل‌گیری رسانه در دل حیات بشری چند صده گذشته است؛ اما در دوره‌های متأخر، به سبب ابتنای ذاتی رسانه بر فناوری، مفاهیم همیشه چند قدم عقب‌تر از رسانه در حرکتند. از سوی‌دیگر در عصر تحولات شتابان فناوری‌های ارتباطی، ماهیت، کارکرد و ساختار رسانه دستخوش دگرگونی‌های بنیادین شده است. بروز ویژگی‌های جدیدی چون شخصی‌شدن تولید محتوا، همگرایی رسانه‌ها و ظهور سکو(پلتفرم)های فراگیر تعاملی، مرزهای سنتی بین فرستنده و گیرنده، حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای، و حتی ملی و فراملی را مخدوش ساخته و حتی از بین برده است *(کاستلز، ۱۴۰۲)*. این دگرگونی، تضاد جدیدی را در برابر نظام‌های حکمرانی، به‌ویژه نظام‌های برآمده از ارزش‌های دینی مانند جمهوری اسلامی ایران قرار داده است که چگونه می‌توان در عین بهره‌گیری از ظرفیت‌های تحول‌آفرین و مردم‌سالاری‌خواه این رسانه‌های نوین برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای و ارتقای مشارکت عمومی، نظم هنجاری و صیانت ارزشی مورد تأکید چهارچوب فقهی-حقوقی نظام (امر به معروف و نهی از منکر، حفظ نظام) را نیز تأمین و تضمین کرد؟

این تنش ذاتی، در حوزه آزادی بیان رسانه‌ای به‌وضوح متجلی می‌شود. از یک‌سو، اسناد بالادستی نظام با تأکید بر اصولی مانند آزادی مطبوعات ، حق دسترسی به اطلاعات و مصونیت از تعقیب به صرف عقیده، ظرفیت‌های حقوقی برای شکوفایی یک فضای رسانه‌ای پویا را به‌رسمیت شناخته‌اند. از سوی‌دیگر، همین اسناد با تصریح بر محدودیت‌های مبتنی بر مبانی اسلام، حقوق عمومی، امنیت ملی و اخلاق و نیز با طراحی نهادهای نظارتی ویژه، چهارچوبی کاملاً مشروط و هدایت‌شده را برای این آزادی ترسیم نموده‌اند.

در عمل، فقدان یک فهم مشترک، منسجم و شفاف از حدود و ثغور این چهارچوب مشروط، خود به کانون یک چالش تبدیل شده است. پژوهش‌های پیشین عمدتاً یا به بررسی جنبه‌های حقوقی آزادی بیان پرداخته‌اند *(احمدی، ۱۳۹۵)* یا با رویکردی تطبیقی، وضع ایران را با استانداردهای بین‌المللی سنجیده‌اند *(تقی‌پور و دیگران، ۱۴۰۰)*. در نبود تحلیلی نظام‌مند از خودِ اسناد بالادستی به‌عنوان منشأ و مبنای چهارچوب، خلأ (گپ) پژوهشی اصلی تعریف این چهارچوب است. این کمبود، منجر به ابهام در عمل رسانه‌ها، تعارض در تفسیر مجریان

و درنهایت، عدم تحقق بهینه هر دو وجه پویایی و نظم در عرصه رسانه شده است. بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش آن است که: اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، دقیقاً چه چهارچوبی را برای آزادی بیان رسانه‌ها، به‌عنوان راهکاری برای این تضاد نوین، طراحی کرده‌اند؟ پاسخ به این پرسش، گامی ضروری برای تبدیل این چهارچوب از متن قانون به راهنمای عمل شفاف و بی‌تعارض برای تمامی ذی‌نفعان عرصه رسانه در ایران است. این پژوهش از این حیث نوآورانه است که به‌جای بررسی قوانین عادی، به‌عنوان منشأ زایش چهارچوب‌های کلان، به تحلیل نظام‌مند خودِ اسناد بالادستی می‌پردازد و با صورت‌بندی پنج محور، مدلی ترکیبی برای فهم آزادی بیان رسانه‌ای در ایران ارائه می‌دهد. با این وصف پژوهشگر در این تلاش علمی به‌دنبال بررسی، استخراج، طبقه بندی و تبیین چهارچوب آزادی بیان رسانه از دل اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران است که اهداف فرعی زیر را نیز می‌توان برشمرد:

- شناسایی و استخراج بندها، اصول و سیاست‌های مرتبط با آزادی بیان؛
- طبقه‌بندی مضامین و سازماندهی آن‌ها؛
- تبیین نسبت آزادی مسئولیت‌ها و محدودیت‌های رسانه.

توجه به این مهم نیز ضروری است که تحلیل مضامین اسناد بالادستی فهم دقیق تری از سیاست‌های کلان رسانه در نظام حکمرانی را برای ما فراهم می‌کند و لذاست که نتایج چنین پژوهشی برای سیاست‌گذاران رسانه‌ای به‌منظور طراحی مقررات همسو با سیاست‌های کلان، برای پژوهشگران حوزه رسانه و فعالان رسانه‌ای به جهت درک چهارچوب‌های حقوقی و سیاستی در راستای عملکرد بهتر حائز اهمیت است که نتیجه نهایی آن کاهش سطح و میزان تعارض‌های کارکردی قوانین در جامعه رسانه‌ای کشور خواهد بود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی:

فائزه تقی‌پور و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله «پدیدارشناسی ابعاد آزادی بیان در رسانه‌های ایران از دیدگاه اساتید علوم ارتباطات» به موضوع آزادی بیان با روش پدیدارشناختی

پرداخته‌اند که پنج مقوله اصلی را برای آزادی بیان در رسانه‌ها برشمرده‌اند. وضعیت رسانه‌ای، تنوع رسانه‌ای، مالکیت، محتوای قانونی و موانع آزادی بیان مقولاتی هستند که برای ارتقای آزادی بیان در رسانه‌های ایران باید در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بی‌طرفانه مورد توجه قرار گرفته و تنظیم قوانین و فرایندها به‌گونه‌ای اصلاح شود که شفافیت در حد مطلوب باشد و محدودیت‌های کمتری برای رسانه‌ها ایجاد گردد. همچنین در قیاس با دنیای غرب برخی تفاوت‌ها را نیز برای این دو حوزه برشمرده‌اند: یکم؛ اینکه رسانه در دنیای غرب عمدتاً با تنوع بسیار بالا در دست بخش خصوصی است که دلیل اصلی آن را نیز می‌توان رجحان وجه اقتصادی رسانه بر سایر وجوه آن دانست، و دوم اینکه؛ از حیث قواعد قضاوت، در سازمان رسانه غربی آزادی عمل بیشتری وجود دارد که این روند نیز می‌تواند ناشی از حاکمیت اصول لیبرالیسم بر جریان رسانه‌ای در غرب ناشی گردد.

تلفیق دو رویکرد فقهی و حقوقی در نظارت بر رسانه و تعریف آزادی بیان، چالش‌ها و الزامات خاص خود را دارد که شناخت آن برای رسانه‌ها و مدیریت رسانه ضروری است. این بیان مبنای پژوهشی با عنوان «نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی» (١٤٠٤) است که نرگس ابوالمعصومی به آن پرداخته است. هدف ابوالمعصومی در این پژوهش تبیین چهارچوبی نظری برای مشروعیت و حدود نظارت بر رسانه در فقه اسلامی و حقوق ایران است که با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است. بر پایه یافته‌های محقق اصولی چون امر به معروف و نهی از منکر، دفع مفسده و حفظ نظام اسلامی مبنای نظارت بر رسانه‌ها در ایران هستند که نه‌تنها نظارت و چهارچوب‌گذاری را لازم کرده‌اند بلکه در برخی موارد این نظارت را واجب ساختند. در کنار این اصول از حیث قوانین موضوعه نیز تأکید بر حقوق عمومی، نظم اجتماعی و منع انتشار مطالب خلاف عفت عمومی و امنیت ملی موجب شکل‌گیری ابعاد دیگری از نظارت بر رسانه در ایران شد.

در یک نگاه کلی جمع بین قانونمندی نظارت و آزادی بیان امری متضاد می‌نماید ولیکن تلاش بابازاده مقدم و اسدی (۱۳۹۵) با ارائه یافته‌های علمی، این باور را ایجاد می‌کند که ساختارمندی آزادی بیان و رسانه امری لازم و ضروری است. ایشان در مقاله «مقررات گذاری برای سایت‌های خبری در ایران چالش‌ها و راهکارها» به موضوع آزادی بیان در عصر اینترنت

و خبرنگاری آنلاین پرداخته اند. نتایج این پژوهش بر این امر تاکید دارد که سایت‌های خبری به‌عنوان رسانه‌های نسل جدید مانند سایر رسانه‌ها نیازمند تنظیم قواعد و ضوابط به‌عنوان مقرراتگذاری هستند؛ با همین مبنا مهمترین چالش‌های مقررات زدایی سایت‌های خبری از جمله مداخله حداکثری دولت در مقررات گذاری، عدم توجه به پیش نیازهای تدوین قوانین و مقررات، اعمال قانون مطبوعات بر سایر رسانه ها، شناسایی شده‌اند.

سیدمحمدصادق احمدی در «بررسی تطبیقی محدودیت‌های آزادی بیان از منظر اسناد بین‌الملل حقوق بشر و حقوق موضوع ایران» (۱۳۹۵)، به بررسی آزادی بیان در تلویزیون ایران می‌پردازد. وی معتقد است در عصر حاضر تلویزیون به‌عنوان یکی از نیرومندترین ابزارهای آزادی بیان به خدمت گرفته می‌شود؛ بنابراین ایجاد ضوابط، قوانین و محدودیت‌ها برای فعالیت شبکه‌های تلویزیونی امری ضروری است و این یک امر پذیرفته بین‌المللی است؛ اما این محدودیت‌ها در ایران به‌صورت مضاعفی تشدید شده است. براین‌اساس محقق نتیجه‌گیری کرده است که بخشی از محدودیت‌های آزادی بیان برای صداوسیما در ایران منطبق با اصول بین‌المللی است؛ ولیکن برخی به‌واسطه دینی بودن سنخیتی با قوانین بین‌المللی ندارد و باید در آنها بازنگری شوند.

پژوهش‌های خارجی:

در بُعد مطالعات تطبیقی بین‌المللی، پژوهش‌های متعددی به تبیین استانداردهای حقوقی حاکم بر آزادی بیان و رسانه پرداخته‌اند؛ ازجمله می‌توان به مقاله وورهوف و کَنی (۲۰۱۰) با عنوان «آزادی بیان و اطلاعات در جامعه دموکراتیک»[1] اشاره نمود که با تمرکز بر ماده ۱۰ مقاوله‌نامه(کنوانسیون) اروپایی حقوق بشر و رویه‌های دادگاه اروپایی، چهارچوبی مبتنی بر آزمون‌های سه‌گانه قانونی بودن، داشتن هدف مشروع و ضرورت در جامعه مردم‌سالار را برای تحدید این حق تحلیل کرده است. این مطالعه بر نقش نظارتی رسانه به‌عنوان دیده‌بان عمومی و حق دسترسی به اطلاعات و حمایت از منابع خبرنگاران تأکید دارد. بااین‌حال، چهارچوب مذکور عمدتاً بر مبانی سکولار و فردگرایانه حقوق بشر غربی استوار است و لزوماً

1. FREEDOM OF EXPRESSION AND INFORMATION IN A DEMOCRATIC SOCIETY

با منظومه فکری نظام‌های حقوقیِ برآمده از آموزه‌های دینی که در آن آزادی بیان در تعادل با مصالح جمعی و ارزش‌های اخلاقی تعریف می‌شود، همخوانی ندارد.

مطالعه خارجی دیگر در این حوزه مقاله وِس (۲۰۲۲) با عنوان «حکمرانی اخبار جعلی: تنظیم‌گری رسانه‌های اجتماعی و حق آزادی بیان در عصر وضعیت‌های اضطراری»[1] است که با تمرکز بر اقدامات دولت‌ها در دوره همه‌گیری کووید-۱۹، به تحلیل سوءاستفاده از مقررات اضطراری برای تحدید غیرضروری آزادی بیان و تشدید سانسور در بستر مجازی می‌پردازد. این مطالعه با هشدار نسبت به ایجاد اثرهای خفقان‌آور بر گفتمان عمومی، راهکارهای جایگزینی مانند خودتنظیمی سکوها و توانمندسازی کاربران را برای توازن‌بخشی بین مدیریت اخبار کذب و صیانت از حق بیان پیشنهاد می‌دهد.

در بررسی الگوهای تنظیم‌گری رسانه‌ای در کشورهای اسلامی، مطالعه موردی پاکستان جایگاه ویژه‌ای دارد. در این زمینه، موروجو، مدنی و شَبیر (۲۰۲٤) در مقاله‌ای با عنوان «سانسور در برابر آزادی بیان: تحلیل نقش پمرا[2] در تنظیم‌گری رسانه‌های پاکستان»[3]، با روش کیفی و تحلیل محتوای اسناد قانونی و مطالعات موردی، به واکاوی عملکرد هیئت تنظیم مقررات رسانه‌های الکترونیک پاکستان (پمرا) پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پمرا با وجود مأموریت دوگانه حمایت از آزادی بیان و تضمین مسئولیت‌پذیری رسانه‌ها، اغلب با توسل به مفاهم گسترده و مبهمی چون اخلاق عمومی، امنیت ملی و منافع دولت در قوانین خود، به اعمال سانسور علیه رسانه‌های منتقد و محدود کردن فضای گفتمان عمومی روی آورده است. به باور نویسندگان، این رویکرد نه‌تنها نقش نظارتی رسانه را تضعیف کرده، بلکه با ایجاد اثر خفقان‌آور و ترغیب به خودسانسوری، اصول بنیادین حاکمیت مردمی را خدشه‌دار ساخته است و براین‌اساس باید گفت به‌جای برقراری توازن در سیاست‌گذاری حق حاکمیت و مردم، کفه ترازو را به نفع حاکمیت سنگین کرده است.

1. Governing Fake News: The Regulation of Social Media and the Right to Freedom of Expression in the Era of Emergency
2. Pakistan Electronic Media Regulatory Authority (PEMRA), PEMRA
3. Censorship vs. Freedom of Speech: Analyzing the Role of PEMRA in Regulating Pakistani Media (2024)

هر یک از پژوهش‌های مورد اشاره از یک یا چند بعد به بررسی وضعیت آزادی بیان و کنترل رسانه در ایران پرداخته اند. در پژوهش حاضر به‌دنبال شناسایی چهارچوب آزادی بیان در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش تحلیل مضمون هستیم. اسناد مکتوب بالادستی این حوزه در جمهوری اسلامی شامل قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی، نقشه فرهنگی مهندسی فرهنگی کشور و قانون مطبوعات هستند که برای شناخت چهارچوب آزادی رسانه‌ها بررسی می‌شوند. هرچند پژوهش حاضر از حیث نظری و روش مرهون تلاش علمی پژوهشگران قبلی است؛ ولیکن دارای وجه نوآوری است. با این وصف پرسش اصلی پژوهش این است که چهارچوب آزادی بیان برای عمل رسانه‌ها در جمهوری اسلامی ایران برای اساس اسناد بالا دستی چیست؟

در باب اهمیت و ضرورت پژوهش نیز باید گفت، اهمیت این موضوع بدان جهت است که ارائه چهارچوب مشخص مبنای عمل رسانه موجب عملکرد بهتر و ساختارمندتر رسانه‌ها در فضای عمومی کشور خواهد بود و کاهش نوع و سطح تعارضات ناشی از نبود این چهارچوب را نیز می‌توان به‌عنوان ضرورت پرداختن به این موضوع مهم برشمرد.

مبانی نظری

در پژوهش‌های علوم ارتباطات و حقوق رسانه، چهارچوب نظری به‌عنوان نقشه مفهومی عمل می‌کند که رابطه میان مفاهیم کلیدی، متغیرها و نظریه‌های مرتبط را تبیین می‌نماید. این پژوهش با هدف تحلیل مضامین مرتبط با آزادی بیان رسانه در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، نیازمند چهارچوبی است که بتواند ابعاد هنجاری، حقوقی، فقهی و ارتباطاتی موضوع را پوشش دهد. در این‌راستا، از ترکیب نظریه‌های کلاسیک و رویکردهای بومی استفاده می‌شود تا پیچیدگیِ حکمرانی رسانه‌ای در یک نظام دینی به‌طور جامع بازنمایی گردد.

مفاهیم پایه پژوهش

آزادی[1]: یکی از مفاهیمی که همواره در مجامع علمی بر سر تعریف صحیح آن مناقشه بوده

1. Freedom

مفهوم آزادی است. شاید بتوان گفت به‌کثرت همه اندیشمندانی که با موضوع آزادی در حوزه‌های مختلف علمی حضور دارند، شاهد تعاریف مختلف برای آزادی هستیم. از بین انبوه تعاریف موجود تعریف محمود حکمت‌نیا در کتاب آزاداندیشی و آزادی بیان با حوزه مفهومی ما در این پژوهش تناسب بهتری دارد. حکمت‌نیا آزادی را به‌عنوان حق طبیعی انسان در انتخاب و عمل تعریف می‌کند. نویسنده تأکید می‌کند که آزادی به معنای رهایی از اجبار بیرونی است؛ اما نه به‌معنای بی‌قیدوشرط بودن؛ بلکه آزادی در چهارچوب عقل، اخلاق و مصالح اجتماعی معنا پیدا می‌کند.

بیان[1]: واژه بیان به معنای فصاحت و زبان‌آوری ذکر شده است؛ اما اصطلاح بیان به‌عنوان ابراز اندیشه و انتقال معنا از ذهن به زبان یا هر وسیله ارتباطی دیگر تعریف می‌شود. بیان صرفاً گفتار نیست بلکه شامل نوشتار، هنر، رسانه و هر ابزار انتقال فکر و احساس نیز می‌شود.

آزادی بیان[2]: یکی از اصول اساسی حقوق انسانی در جوامع آزادی بیان است که تصریح دارد هر فردی در جامعه از حق بیان ایده و نظرها، دسترسی به منابع اطلاعاتی، مشارکت در زندگی فرهنگی، استفاده از هنر برای نشر افکار خود و توسعه علمی برخوردار است. به‌عبارت‌دیگر آزادی بیان حقی است که به موجب آن انسان می‌تواند اندیشه و باور خود را بدون ترس از مجازات یا سانسور ابراز کند، مشروط بر آنکه این ابراز موجب نقض حقوق دیگران یا اخلال در نظم و ارزش‌های اساسی جامعه نشود. هرچند این تعریف تأکید بر حق طبیعی و اجتماعی آزادی بیان دارد که شامل دو جنبه حق بودن و مسئولیت اجتماعی برای رعایت حدود آزادی دارد؛ اما نمی‌توان آن را در شمول حق بنیادین بشری قرار داد چراکه حقوق بنیادین تعلیق‌پذیر نیست درصورتی‌که این حق هم در میثاق‌نامه‌های بین‌المللی (اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و هم در قوانین ملی ما (قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی، قانون مطبوعات) تحدیدپذیر و مشروط است.

از دیدگاه حقوقی–اجتماعی، آزادی بیان به‌معنای حق افراد در ابراز اندیشه، عقیده و اطلاعات بدون ترس از مداخله یا مجازات دولتی است؛ اما این حق در اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی ملی، مطلق نبوده و مشروط به رعایت حقوق دیگران، امنیت ملی، نظم

1. Expression
2. Freedom of Expression

عمومی، سلامت و اخلاق عمومی است. یعنی مانند کلیت مفهوم آزادی، مرزهای آزادی را باید آزادی دیگران تعریف کرد. در بافت جمهوری اسلامی ایران، این مفهوم علاوه بر قیود عمومی، با محدودیت‌های مبتنی بر شریعت و ارزش‌های اسلامی نیز تعریف می‌شود.

رسانه[1]: مبتنی بر تعاریف ارتباط هر آنچه که به‌عنوان واسطه بین فرستنده و گیرنده عمل کند را می‌توان رسانه به حساب آورد. هر چند که باید اذعان داشت رسانه در دنیای امروز چیزی فراتر از یک سازوکار ساده انتشار اطلاعات است؛ اما از حیث موضوع پژوهش رسانه را می‌توان در معنای هر آنچه که انتقال‌دهنده افکار و فرهنگ‌ها از ناحیه فرد یا افرادی به سایر انسان‌ها باشد، قلمداد نمود. در تعریف کازنو[2] رسانه هر وسیله ارتباطی است که مورد توجه جمع کثیری باشد که این وسایل عمدتاً نتایج تمدن جدید انسانی و دارای ویژگی‌های قدرت و توانایی اثر زیاد و شعاع عمل وسیع هستند *(کازنو، ۱۳۸۷)*.

امروزه دیگر رسانه‌های ساختارهای قابل‌فهم گذشته را ندارند و واجد پیچیدگی‌های مختلفی شده‌اند. به‌خصوص با گسترش فناوری‌های جدید و رشد اصل همگرایی رسانه‌ها این پیچیدگی‌ها با سرعتی تصاعدی رو به افزایش است. رسانه در این پژوهش، نه صرفاً به‌مثابه ابزار فنی، بلکه به‌عنوان نهاد اجتماعی-فرهنگی در نظر گرفته می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید، انتشار و چهارچوب‌سازی گفتمان عمومی دارد. با توجه به پدیده همگرایی رسانه‌ها و نیز شخصی‌شدن محتوا در عصر دیجیتال، مرزهای سنتی رسانه‌های جمعی و ارتباطات میان‌فردی در حال محو شدن است، امری که سیاست‌گذاری رسانه‌ای را با چالش‌های جدیدی مواجه ساخته است.

اسناد بالادستی[3]: منظور از اسناد بالادستی در این پژوهش، قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های کلانی است که مبنای قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و حکمرانی رسانه‌ای قرار می‌گیرند. این اسناد شامل قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی، سند نقشه فرهنگی کشور، سیاست‌های کلی نظام در حوزه فرهنگ و رسانه، و قوانین عادی مادر (مانند قانون مطبوعات و قانون جرایم رایانه‌ای) می‌شوند که در یک سلسله مراتب هنجاری قرار دارند

1. edia
2. Cazeneuve
3. Supra-Documents

و در عمل ملاک رفتار رسانه‌های عمومی، دولتی و خصوصی قلمداد می‌شوند.

نظریه‌های کلیدی و چهارچوب‌های تحلیلی

پژوهش حاضر برای تحلیل مضامین مرتبط با آزادی بیان رسانه در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، از ترکیبی از نظریه‌های کلاسیک و رویکردهای بومی بهره می‌گیرد. این انتخاب با هدف پوشش ابعاد هنجاری، حقوقی، فقهی و ارتباطاتی موضوع صورت گرفته است. چهارچوب نظری ترکیبی حاضر، از چهار نظریه حوزه رسانه به‌عنوان چهار رکن اصلی تشکیل شده است:

۱. **نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها**: این نظریه که در پاسخ به کاستی‌های نظریه لیبرتری شکل گرفت، بر این اصل استوار است که آزادی رسانه‌ها باید با تکالیف و مسئولیت‌های اجتماعی همراه باشد *(سورین و تانکارد، ۱۳۸۵؛ دادگران، ۱۳۹۰)*. بر اساس این دیدگاه، رسانه‌ها موظفند در قبال منافع عمومی پاسخگو باشند، به اخلاق حرفه‌ای پایبند بوده و از انتشار محتوای خلاف مصالح جامعه پرهیز کنند. تأکید این نظریه بر آزادی مسئولیت‌پذیر، با گفتمان آزادی مشروط مندرج در اسناد بالادستی ایران همخوانی بنیادین دارد.

۲. **نظریه رسانه‌های توسعه‌ای**: نظریه‌ای که رسانه را نه صرفاً یک نهاد مستقل انتقادی، بلکه ابزاری در خدمت اهداف کلان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حکومت می‌داند. در این چهارچوب، رسانه به‌مثابه بازوی تحقق برنامه‌های ملی و پیشبرد پروژه‌های فرهنگی عمل می‌کند. نگاه راهبردی اسناد بالادستی ایران به رسانه در جهت تحکیم مردم‌سالاری دینی، ترویج فرهنگ اسلامی–ایرانی و پیشبرد مهندسی فرهنگی، بازتابی از همین منطق توسعه‌ای است (*مک‌کوییل[1]، ۱۳۸۸*).

۳. **چهارچوب فقهی–حقوقی نظارت بر رسانه در اسلام**: این چهارچوب بومی که ریشه در اصول فقه شیعه و قانون اساسی جمهوری اسلامی دارد، مبانی مشروعیت نظارت بر عرصه رسانه را تبیین می‌کند. اصولی چون ولایت فقیه (به‌عنوان مبنای نظارت کلان)، امر به معروف و نهی از منکر (به‌عنوان تکلیف شرعی پیشگیرانه حکومت و افراد)، دفع مفسده

1. McQuail

و جلب مصلحت (به‌عنوان معیار مداخله) و حفظ نظام اسلامی (به‌عنوان مهم‌ترین مصلحت عمومی)، سنگ‌بنیان‌های نظری این نگاه صیانتی و هدایت‌گر برای رسانه در ایران را تشکیل می‌دهند *(مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱)*.

٤. **نظریه چهارچوب‌سازی**: که در سطح تحلیل گفتمان به‌کار می‌آید و فرایندی را نشان می‌دهد که طی آن، متون رسمی از طریق برجسته‌سازی برخی مفاهیم (مانند آموزه‌های دینی، امنیت ملی، وحدت اجتماعی) و حاشیه‌رانی مفاهیم دیگر (مانند آزادی مطلق، فردگرایی سکولار)، واقعیت اجتماعی آزادی بیان مشروع را تعریف و حدود آن را معین می‌سازند *(گافمن، ۱٤۰۳؛ زابلی‌زاده و افخمی ،۱۳۹۲)*

تلفیق متناسب این چهار چهارچوب با نیازمندی محقق، امکان واکاوی چندبُعدی و عمیق اسناد را فراهم می‌سازد. از این تلفیق، چهار مؤلفه کلان تحلیلی استخراج می‌گردد که به‌عنوان بستر مفهومی پژوهش، جهت سازماندهی و تفسیر مضامین استخراجی از اسناد به کار خواهند رفت. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

۱. **مؤلفه ماهیت و حدود آزادی (حق-تکلیف)**: این مؤلفه بر چگونگی تعریف توأمان آزادی بیان به‌مثابه یک حق و تکالیف، مسئولیت‌ها و محدودیت‌های پیشینی مرتبط با آن (نظیر رعایت مصالح عمومی، اخلاق، مبانی دینی و امنیت ملی) متمرکز است. این مؤلفه عمدتاً از تلاقی نظریه مسئولیت اجتماعی و چهارچوب فقهی تغذیه می‌شود.

۲. **مؤلفه کارکرد و غایت رسانه (هدفمندی)**: کشف نگاه اسناد به کارکرد مسلط رسانه، کارکردی است که از این مؤلفه مورد انتظار است. آیا رسانه صرفاً ابزار اطلاع‌رسانی است، یا نقشی فعال به‌عنوان نهاد نظارتی، ابزار هدایت و تربیت فرهنگی یا بازوی توسعه ملی برای آن متصور است؟ ریشه این مؤلفه در نظریه رسانه‌های توسعه‌ای و نظریه چهارچوب‌سازی است.

۳. **مؤلفه ساختار و سازوکار حکمرانی (نهاد-فرایند)**: سازوکارهای عملیاتی تحقق اهداف در این مؤلفه و محور قرار می‌گیرند. پرسش محوری آن، شناسایی ساختارها، نهادها و فرایندهای نظارتی، تنظیم‌گری یا هدایتی، نظیر هیئت‌های نظارت، ضوابط صدور مجوز و سازوکارهای قانونی است که برای مدیریت فضای رسانه‌ای طراحی شده‌اند. منشأ این مؤلفه را می‌توان پیوند نظریه رسانه‌های توسعه‌ای و چهارچوب فقهی-حقوقی دانست.

٤. **مؤلفه گفتمان و مرزبندی هنجاری (گفتمان–امنیت)**: مرزنبدی هنجاری به تحلیل چگونگی ساخت اجتماعی واقعیت در اسناد از طریق گفتمان‌پردازی می‌پردازد و تمرکز آن بر شناسایی مرزهای هنجاری و امنیتی صریح و نیز فرایندهای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی گفتمانی است که حدود بیان مشروع را ترسیم می‌کنند. این مؤلفه را می‌توان یکی وجوه ممیزه آزادی بیان رسانه د ر ایران و غرب تعریف کرد چراکه منشأ اصلی آن مبانی دینی و فرهنگ ایرانی است و هیچ نسبتی با مبانی رسانه غربی ندارد.

بر مبنای این چهار مؤلفه تحلیلی، انتظار می‌رود مضامین استخراج‌شده از اسناد، ذیل محورهای کلان و معناداری دسته‌بندی شوند که هر کدام بازتاب‌دهنده یکی از ابعاد فوق باشند. ارتباط این مؤلفه‌ها و محورهای کلان ناشی از آنها در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول ۱: محوریابی مؤلفه‌های آزادی بیان براساس چهارچوب نظری

نظریه/چهارچوب پایه	مؤلفه تحلیلی غالب	محور کلان (جهت سازماندهی مضامین)
نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها	ماهیت و حدود آزادی (حق–تکلیف)	آزادی مشروط و مسئولیت‌پذیر
نظریه رسانه‌های توسعه‌ای + چهارچوب فقهی–حقوقی	ساختار و سازوکار حکمرانی (نهاد–فرایند)	نظارت و تنظیم‌گری نهادی
نظریه رسانه‌های توسعه‌ای + نظریه چهارچوب‌سازی	کارکرد و غایت رسانه (هدفمندی)	رسانه به‌مثابه ابزار هدایت فرهنگی
نظریه مسئولیت اجتماعی + چهارچوب فقهی–حقوقی	ماهیت و حدود آزادی + ساختار حکمرانی	ابعاد حقوقی و ساختاری
چهارچوب فقهی–حقوقی نظارت اسلامی	گفتمان و مرزبندی هنجاری (گفتمان–امنیت)	محدودیت‌های هنجاری و امنیتی

روش پژوهش

این پژوهش با ماهیتی کاربردی و رویکردی اکتشافی طراحی شده است. هدف اصلی، تبیین چهارچوب آزادی بیان رسانه‌ای با واکاوی و تحلیل ابعاد مفهومی و سیاست‌گذاری‌های مرتبط در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران است. برای نیل به این مقصود، از

رویکرد کیفی و راهبرد تحلیل مضمون استفاده می‌شود. انتخاب این رویکرد به دلیل ماهیت اکتشافی و تفسیری تحقیق است که در پی درک عمیق، استخراج و سازماندهی مضامین پنهان و آشکار در متون رسمی است. روش پژوهش نیز مبتنی بر گردآوری و مطالعه‌ی اسنادی است که با تحلیل محتوای عمیق، لایه‌های معنایی موجود در متون کلیدی استخراج و ارزیابی می‌شوند.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه اسناد بالادستی رسمی و معتبر جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های فرهنگ، رسانه و ارتباطات تشکیل می‌دهند که تا زمان انجام پژوهش تصویب و ابلاغ شده‌اند و در فرایند اجرا قرار دارند. این مدارک و اسناد معتبر حاکمیتی، خط‌مشی‌ها و چهارچوب‌های حقوقی و فرهنگی حوزه آزادی بیان را تبیین می‌کنند. روش نمونه‌گیری به‌کار گرفته شده، نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی با معیار اشباع نظری است. بدین‌ترتیب، نمونه‌ها به‌صورت عمدی و بر اساس بیشترین ارتباط مفهومی و مضمونی با موضوع پژوهش انتخاب شده‌اند.

در راستای اهداف پژوهش و بر اساس معیارهای نمونه‌گیری تعریف‌شده، اسناد زیر به‌عنوان نمونه‌های هدفمند و غنی برای تحلیل برگزیده شدند: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان میثاق بنیادین؛ منشور حقوق شهروندی به‌مثابه سندی تفسیری از حقوق عمومی؛ سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور به‌عنوان چهارچوب کلان راهبردی؛ سیاست‌های کلی نظام در حوزه فرهنگ و رسانه (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری) که خط‌مشی‌های عالی این حوزه را ترسیم می‌نماید؛ قانون مطبوعات به‌عنوان قانونی تخصصی در عرصه نشر مکتوب؛ مواد مرتبط قانون جرایم رایانه‌ای که ناظر بر رفتار در فضای دیجیتال است؛ و درنهایت، سیاست‌های کلی فضای مجازی که به‌عنوان سندی راهبردی، چهارچوب حکمرانی در این عرصه نوین را مشخص می‌کند. همچنین قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به‌عنوان یکی از قوانین مهم در حوزه شفافیت و حق دسترسی عمومی به اطلاعات نیز در این موضوع قابل بررسی است. این مجموعه اسناد، طیفی از بالاترین سطوح هنجاری و کلان‌نگارانه تا قوانین جزئی‌نگر و عملیاتی را پوشش می‌دهند و امکان کشف منظومه فکری حاکم بر موضوع آزادی بیان رسانه‌ای را به شکل مطلوبی فراهم می‌آورند.

یافته‌های پژوهش

بر اساس بررسی اسناد و قوانین و دقت‌نظر در هر یک از آنها و مبتنی بر گام‌های اجرایی روش تحلیل مضمون، کدها و مضامین اولیه زیر از کلیه اسناد صدرالاشاره استخراج گردید که موارد استخراج‌شده به همراه کدگذاری اولیه در جدول ذیل نمایش داده می‌شود:

جدول ۲: یافته‌های پژوهش براساس گام دوم روش تحلیل مضمون (ایجاد کدهای اولیه)

ردیف	سند بالادستی	واحد تحلیل	مضمون اولیه	مفهوم کلیدی مرتبط	کد اولیه
۱	قانون اساسی	اصل ٢٤	آزادی مطبوعات مگر اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی	آزادی بیان رسانه	آزادی بیان مشروط
۲		اصل ٢٤	تحدید آزادی به مبانی اسلام	محدودیت	تحدید دینی آزادی
۳		اصل ٢٤	رعایت حقوق عمومی در بیان	محدودیت	تقدم حقوق عمومی
٤		اصل ۳ (بند ۲)	ارتقای آگاهی عمومی	حقوق ارتباطی	حق دسترسی به اطلاعات
٥		اصل ۳ (بند ۸)	مشارکت مردم در سرنوشت	رسانه	نقش مردم‌سالارانه رسانه
٦		اصل ۹	منع سلب آزادی‌های مشروع	آزادی بیان	مصونیت آزادی مشروع
۷		اصل ۱۷٥	آزادی بیان در صداوسیما	رسانه	آزادی کنترل‌شده رسانه حاکمیتی
۸		اصل ۱۷٥	نظارت شورای سه‌گانه	نظارت	نظارت نهادی رسانه
۹	منشور حقوق شهروندی	ماده ٢٦	آزادی بیان و عقیده	آزادی بیان	حق بنیادین بیان

ردیف	سند بالادستی	واحد تحلیل	مضمون اولیه	مفهوم کلیدی مرتبط	کد اولیه
۱۰		ماده ۲۶	تنوع ابزارهای بیان	رسانه	شمول رسانه‌ای آزادی
۱۱		ماده ۲۷	ممنوعیت سانسور	نظارت	منع سانسور
۱۲		ماده ۲۷	مصونیت از تعقیب به سبب بیان	آزادی بیان	امنیت بیان
۱۳		ماده ۲۸	محدودیت به موجب قانون	محدودیت	تحدید قانونی آزادی
۱۴		ماده ۲۸	حفظ اخلاق و امنیت	محدودیت	تقدم اخلاق و امنیت
۱۵	نقشه مهندسی فرهنگی	بندهای کلان	رسانه ابزار هدایت فرهنگی	رسانه	رسانه هدایت‌گر
۱۶		بندهای کلان	صیانت از ارزش‌های اسلامی	نظارت	نظارت ایدئولوژیک
۱۷		سیاست‌ها	مقابله با تهاجم فرهنگی	محدودیت	مرزبندی گفتمانی
۱۸	سیاست‌های کلی فرهنگ و رسانه	بندهای کلان	ارتقای بصیرت عمومی	رسانه	مسئولیت اجتماعی رسانه
۱۹		بندهای کلان	منع محتوای مخل مبانی نظام	محدودیت	صیانت ارزشی محتوا
۲۰	قانون مطبوعات	ماده ۲	آزادی مطبوعات در چهارچوب قانون	آزادی بیان	آزادی قانونی رسانه
۲۱		ماده ۶	ممنوعیت توهین، تبلیغ علیه نظام	محدودیت	خطوط قرمز رسانه
۲۲		ماده ۶	منع اشاعه فحشا و منکرات	محدودیت	اخلاق‌محوری محتوا
۲۳		ساختار نظارتی	هیئت نظارت بر مطبوعات	نظارت	تنظیم‌گری نهادی

ردیف	سند بالادستی	واحد تحلیل	مضمون اولیه	مفهوم کلیدی مرتبط	کد اولیه
۲٤	قانون جرایم رایانه‌ای	ماده ١٤	جرم‌انگاری محتوای مستهجن	محدودیت	کنترل اخلاقی فضای مجازی
۲٥		ماده ١٥	جرم علیه امنیت در فضای مجازی	آزادی بیان	محدودیت امنیتی بیان دیجیتال
۲٦		ماده ١٨	مسئولیت کیفری انتشار محتوا	نظارت	مسئولیت کیفری بیان
۲۷	سیاست‌های کلی فضای مجازی	بندهای کلان	اعمال حاکمیت در فضای مجازی	نظارت	حکمرانی دیجیتال
۲۸		بندهای کلان	صیانت از ارزش‌ها در بیان برخط	محدودیت	صیانت فرهنگی دیجیتال
۲۹		بندهای کلان	ساماندهی و تنظیم‌گری محتوا	رسانه	تنظیم‌گری پلتفرمی
۳۰	قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات	ماده۳	دسترسی همگانی به اطلاعات و انتشار آن	آزادی اطلاعات	حق دسترسی عمومی به اطلاعات
۳۱		ماده ۸	اطلاعات نباید بر اساس عقیده یا مذهب سانسور شود	محدودیت	منع سانسور تبعیض‌آمیز

بر اساس چهار رویکرد مطرح در تحلیل مضمون، رویکرد این پژوهش قیاسی است؛ زیرا تحلیل با چهارچوب نظری مشخصی آغاز می‌شود و مضامین حول مفاهیم ازپیش‌تعیین‌شده شکل می‌گیرند. بر همین اساس، پس از تعیین کدها و مضامین اولیه، مضامین بر مبنای مفاهیم چهارچوب نظری در پنج محور دسته‌بندی شده‌اند که در ادامه بیان می‌شود.

محور اول: آزادی مشروط و مسئولیت‌پذیر

این محور بر حق بنیادین آزادی بیان تأکید دارد؛ اما آن را مشروط به رعایت هنجارهای کلان و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی می‌داند. مفاهیم کلیدی این گروه عبارت‌اند از: آزادی بیان مشروط، مسئولیت اجتماعی رسانه، تقدم حقوق عمومی و اخلاق، مصونیت آزادی مشروع، حق بنیادین بیان، شمول رسانه‌ای آزادی، امنیت بیان، آزادی قانونی رسانه.

جدول ۳: مضامین مرتبط با آزادی مشروط و مسئولیت‌پذیر

نام سند سیاستی	تحلیل سیاست	محتوای سیاست (ماده/بند)
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)	این اصل، هسته مرکزی چهارچوب «**آزادی مشروط**» را تشکیل می‌دهد. آزادی بیان به رسمیت شناخته می‌شود؛ اما این حق ماهیتی غیرمطلق دارد و از پیش، مرزهای آن با دو محور «**مبانی اسلام**» و «**حقوق عمومی**» تعریف شده است. مضمون مستتر: **مبادله حق و تکلیف**.	**اصل ۲۴:** نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)	فهوای این اصل بر «**مشروعیت**» آزادی‌ها تأکید دارد و آن را در چهارچوب هنجارهای پذیرفته‌شده نظام محدود می‌کند. در عین تضمین آزادی فردی، مسئولیت شهروندان در رعایت آزادی دیگران و عدم خدشه به اصول کلان نظام را گوشزد می‌نماید. مضمون مستتر: **تقدم نظم جمعی بر فردگرایی**.	**اصل ۹:** ... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.
منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۵)	بخش از منشور که حق آزادی بیان را به‌صورتی گسترده و مستقل از قالب و ابزار، به‌عنوان یک «**حق بنیادین**» به‌رسمیت می‌شناسد. این تصریح، شمول این حق را بر تمامی سکوهای رسانه‌ای نوین نیز دربر می‌گیرد. مضمون مستتر: **به رسمیت‌شناسی**	**ماده ۲۶:** افراد از حق آزادی اندیشه و بیان برخوردارند. این حق شامل آزادی گردآوری، دریافت و انتشار اطلاعات و ایده‌ها به هر شکل و

نام سند سیاستی	تحلیل سیاست	محتوای سیاست (ماده/بند)
	تحولات فناورانه.	بدون توجه به مرزها است.
منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۵)	این بند با تأکید بر مصونیت افراد از تعقیب به صرف عقیده، در پی ایجاد «**امنیت بیان**» و کاهش فضای ترس است. این امر شرط لازم برای تحقق عملی آزادی بیان محسوب می‌شود. مضمون مستتر: **تلاش برای ایجاد اعتماد و کاهش خودسانسوری**.	**ماده ۲۷**: افراد به صِرف داشتن عقیده از تعرض، مؤاخذه و تعقیب مصون هستند و نمی‌توان به صرف ابراز عقیده‌ای، کسی را مورد پیگرد یا محاکمه قرار داد.
قانون مطبوعات (۱۳۶۴، اصلاحی ۱۳۷۹)	الگوی «**آزادی قانونی**» در حوزه مطبوعات در این ماده ترسیم می‌شود. آزادی نه به‌صورت مطلق، بلکه در چهارچوب محدودیت‌های مصرح در قانون معنا می‌یابد و نقض این حدود مستلزم مسئولیت است. مضمون مستتر: **قانون به مثابه عینیت‌بخشیدن به مرزهای آزادی**.	**ماده ۲**: نشریات در بیان مطالب آزادند، مگر آنچه را که قانون منع کرده باشد.
قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات	این ماده با تصریح بر دسترسی همگانی به اطلاعات، بُعد دیگری از «حق بنیادین بیان» را تقویت می‌کند و بر نقش اطلاعات در شکل‌گیری افکار عمومی و مشارکت مدنی تأکید دارد. مضمون مستتر: دسترسی به اطلاعات	**ماده ۳**: دستگاه‌های اجرایی موظفند اطلاعات مورد درخواست شهروندان را در چهارچوب این قانون در اختیار آنها قرار دهند و از انتشار اطلاعاتی که منافع عمومی را به خطر می‌اندازد، خودداری کنند.

محور دوم: نظارت و تنظیم‌گری نهادی

محور نظارت و تنظیم‌گری نهادی بر این اصل استوار است که آزادی بیان و فعالیت رسانه‌ها نمی‌تواند به‌صورت رها و فاقد چهارچوب باشد. این دیدگاه، ریشه در تلفیق نظریه رسانه‌های توسعه‌ای و چهارچوب فقهی–حقوقیِ ناظر بر حاکمیت دارد. بر این‌اساس، ایجاد

سازوکارها و نهادهای رسمی نظارتی ضروری تلقی می‌شود تا هم از انحراف رسانه‌ها از خط‌مشی‌های کلان نظام مانند امنیت، اخلاق و ارزش‌های اسلامی جلوگیری شود و هم به‌صورت فعال، مسیر آنها را در جهت توسعه ملی و صیانت فرهنگی هدایت کند. یافته‌های این پژوهش شامل سازوکار نظارت چند نهادی بر صداوسیما، تصریح قانونی بر منع سانسور غیرقانونی، وجود هیئت تخصصی نظارت بر مطبوعات، و تأکید بر اعمال حاکمیت در فضای مجازی، همگی گواه تلاش برای نهادینه‌سازی یک نظام نظارتیِ قانونمند، چندسطحی و پیشگیرانه است. در این چهارچوب، هدف جایگزینی کنترل‌های خودسرانه با تنظیم‌گریِ مبتنی بر قانون است که ضمن به‌رسمیت شناختن حق بیان، آن را در مسیری مسئولیت‌پذیر و همسو با مصالح جمعی هدایت می‌نماید.

جدول ۴: مضامین مرتبط با نظارت و تنظیم‌گری نهادی

نام سند سیاستی	تحلیل سیاست	محتوای سیاست (ماده/بند)
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)	این اصل، الگوی «**نظارت چندنهادی و حاکمیتی**» بر اصلی‌ترین رسانه ملی (صداوسیما) را پایه‌گذاری می‌کند. هدف، تضمین همسویی محتوای این رسانه راهبردی با خط‌مشی‌های کلان نظام و جلوگیری از انحراف یا انحصار است. مضمون مستتر: **رسانه کلیدی به‌مثابه امانت عمومی**.	**اصل ۱۷۵**: نگاه‌داری این سازمان (صداوسیما) با شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) خواهد بود.
منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۵)	این ماده با تصریح بر ممنوعیت سانسور، همزمان با قید «**مگر به حکم قانون**»، مجوزی برای «**نظارت قانونی**» صادر می‌کند. این نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد تعادل بین جلوگیری از سانسور خودسرانه و مشروعیت‌بخشی به کنترل مبتنی بر چهارچوب‌های قانونی است.	**ماده ۲۷**: هرگونه سانسور ممنوع است مگر به حکم قانون.

نام سند سیاستی	تحلیل سیاست	محتوای سیاست (ماده/بند)
قانون مطبوعات (۱۳۶۴، اصلاحی ۱۳۷۹)	ایجاد «**هیئت نظارت بر مطبوعات**» نمونه عینی نهادسازی برای «**تنظیم‌گری تخصصی**» در این حوزه است. این هیئت با اختیار صدور مجوز و نظارت بر عملکرد، رویکردی پیش‌گیرانه و هدایت‌گر در قبال نشریات دارد. مضمون مستتر: **پیشگیری و همراهی مداوم به‌جای برخورد صرفاً پسینی**.	**ماده ۸ و ساختار نظارتی**: تشکیل هیئت نظارت بر مطبوعات با ترکیب مشخص از نمایندگان نهادهای حاکمیتی.
سیاست‌های کلی فضای مجازی (ابلاغی ۱۳۹۹)	کلیت این سند فلسفه وجودی «**حکمرانی فعال و نهادی**» در فضای مجازی را بیان می‌کند. بر اساس آن، این عرصه یک منطقه فراقانونی نیست بلکه قلمرویی از حاکمیت ملی است که نیازمند اعمال اقتدار قانون و ایجاد ساختارهای نظارتی ویژه است.	**بندهای کلان**: اعمال حاکمیت ملی و اقتدار قانون در فضای مجازی.

محور سوم: رسانه به‌مثابه ابزار هدایت فرهنگی

از تلفیق نظریه رسانه‌های توسعه‌ای و نظریه چهارچوب‌سازی این محور نشئت می‌گیرد. در این دیدگاه، رسانه‌ها نه نهادهایی بی‌طرف یا صرفاً سرگرم‌کننده، بلکه بازیگرانی فعال و هدایت‌گر در عرصه فرهنگ و اندیشه‌سازی جامعه محسوب می‌شوند. هدف اصلی، استفاده از ظرفیت رسانه برای ارتقای آگاهی عمومی، تقویت بصیرت و نهایتاً شکل‌دهی به افکار و هنجارهای عمومی مطابق با ارزش‌های اسلامی–ایرانی است. یافته‌های پژوهش مانند تأکید قانون اساسی بر ارتقای آگاهی و مشارکت مردمی، تصریح سند مهندسی فرهنگی بر نقش هدایتگری رسانه، و سیاست‌های کلی مبتنی بر بصیرت‌افزایی، همگی بر این نقش فعال و جهت‌دار تأکید دارند. در این چهارچوب، آزادی بیان به‌معنای انتشار

بی‌ضابطه محتوا نیست بلکه وسیله‌ای برای پیشبرد یک پروژه فرهنگی و تربیتی بزرگ‌تر است که در آن رسانه متعهد به ایفای نقش مربی، معلمی و راهبری جامعه تلقی می‌گردد.

جدول ۵: مضامین مرتبط با رسانه به‌مثابه ابزار هدایت فرهنگی

نام سند سیاستی	تحلیل سیاست	محتوای سیاست (ماده/بند)
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)	این بند، «**وظیفه‌گرایی آموزشی و تربیتی**» رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های عمومی را توجیه می‌کند. آزادی بیان در این چهارچوب، وسیله‌ای برای نیل به هدف والاتر «**آگاهی‌بخشی جهت‌دار**» به جامعه است. مضمون مستتر: **رسانه در نقش معلم و هدایت‌گر جامعه**.	**اصل ۳ (بند ۲)**: بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)	این بند به «**نقش مردم‌سالارانه تسهیل‌گر**» رسانه‌ها اشاره دارد. آزادی بیان رسانه‌ای، بستری برای گفت‌وگو و تشکیل اراده عمومی فراهم می‌آورد تا مشارکت مردمی در سرنوشت خویش محقق شود. مضمون مستتر: **مشارکت هدایت‌شده در چهارچوب اهداف نظام**.	**اصل ۳ (بند ۸)**: مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۱)	این گزاره به‌صراحت «**مأموریت فعال و هدایت‌گر**» رسانه را بیان می‌دارد. در این نگاه، رسانه نه نهادی منفعل، بلکه ابزاری پیشرو برای شکل‌دهی به فرهنگ مبتنی بر ارزش‌های مشخص است. مضمون مستتر: **مهندسی اجتماعی و فرهنگی از بالا**.	**بندهای کلان**: رسانه ابزار هدایت فرهنگی جامعه است.

نام سند سیاستی	تحلیل سیاست	محتوای سیاست (ماده/بند)
سیاست‌های کلی فرهنگ و رسانه (ابلاغی ۱۳۷۹)	تأکید بر «**بصیرت‌افزایی**» نشان می‌دهد هدف، صرف وجود آزادی بیان نیست بلکه ارتقای کیفیت و محتوای آن برای تقویت فهم و تشخیص عمومی است. این نگاه، رسانه را موظف به پرورش مخاطبانی آگاه و بینا می‌داند. مضمون مستتر: **مخاطب به‌مثابه موضوع تربیت**.	**بندهای کلان**: ارتقای بصیرت و قدرت تحلیل و تشخیص جامعه در عرصه فرهنگ.

محور چهارم: ابعاد حقوقی و ساختاری

تمرکز اصلی این محور بر تدوین قوانین و مقررات مشخص، ایجاد نهادهای اجرایی و تعیین دقیق حدود، جرائم و مسئولیت‌های کیفری برای فعالان رسانه‌ای است. هدف، عینی‌سازی و قابل پیش‌بینی کردن مرزهای آزادی بیان و تبدیل مفاهیم کلی مانند مسئولیت‌پذیری به مواد قانونی شفاف و قابل اجراست. یافته‌های این پژوهش از قبیل تأکید منشور حقوق شهروندی بر قانونی بودن محدودیت‌ها، تعیین خطوط قرمز صریح در قانون مطبوعات (مانند منع توهین و تبلیغ علیه نظام)، جرم‌انگاری انتشار محتوای مجرمانه در قانون جرایم رایانه‌ای و سیاست تنظیم‌گری پلتفرمی در فضای مجازی، همگی بیانگر تلاش برای ایجاد یک چهارچوب حقوقی جامع و جزئینگر هستند. این چهارچوب می‌کوشد تا با تعریف روشن مصادیق تخلف و مجازات آنها، هم از سوءاستفاده از آزادی جلوگیری کند و هم زمینهٔ نظم و امنیت حقوقی را در عرصهٔ بیان و رسانه فراهم آورد.

جدول ۶: مضامین مرتبط با ابعاد حقوقی و ساختاری

نام سند سیاستی	تحلیل سیاست	محتوای سیاست (ماده/بند)
منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۵)	**لزوم «قانونی بودن محدودیت‌ها»** در این ماده تصریح شده است. بر این اساس، هیچ تحدیدی بر آزادی بیان نمی‌تواند خودسرانه باشد و باید مستند به متن صریح قانون باشد. این اصل، ضامن مهمی در برابر تحدیدهای بی‌ضابطه است. مضمون مستتر: **عقلانی‌سازی و عینیت‌بخشی به مرزها از طریق قانون**.	**ماده ۲۸:** اعمال حق آزادی بیان تنها می‌تواند تابع محدودیت‌های پیش‌بینی شده در قانون باشد.
قانون مطبوعات (۱۳۶۴، اصلاحی ۱۳۷۹)	این ماده به تعین **«خطوط قرمز مشخص حقوقی»** می‌پردازد و مصادیق سوءاستفاده از آزادی بیان را برمی‌شمارد. مواردی چون توهین، تبلیغ علیه نظام و اشاعه فحشا، مرزهای غیرقابل عبور را ترسیم می‌کنند. مضمون مستتر: **حمایت از مشروعیت نمادین نظام و اخلاق عمومی**.	**ماده ۶:** نشریات مجاز به درج مطالب الحادی، اشاعه فحشا، ترویج اسراف، ایجاد اختلاف بین اقشار و تحریک علیه امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران نیستند.
قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸)	این ماده اصل **«مسئولیت شخصی ناشر»** را در فضای مجازی تقویت می‌کند. بر این‌اساس، هر فرد در قبال محتوای مجرمانه‌ای که منتشر می‌کند، مسئولیت کیفری مستقیم دارد. مضمون مستتر: **فردی‌سازی مسئولیت در فضای پیچیده دیجیتال**.	**ماده ۱۸:** هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی... به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای... اکاذیبی را انتشار دهد... مجازات خواهد شد.
سیاست‌های کلی فضای مجازی (ابلاغی ۱۳۹۹)	این بند لزوم ایجاد **«ساختارهای تنظیم‌گری پویا و هوشمند»** را برای مدیریت انبوه محتوای فضای مجازی بیان می‌کند. آزادی در این فضا	**بندهای کلان:** ساماندهی و تنظیم‌گری فعال محتوای مبادله شده در فضای مجازی.

نام سند سیاستی	تحلیل سیاست	محتوای سیاست (ماده/بند)
	مستلزم وجود سازوکارهای فنی و حقوقی برای مقابله با محتوای مخل است. مضمون مستتر: **لزوم برتری فناورانه برای حکمرانی اثربخش**.	
قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات	این ماده با منع سانسور اطلاعات بر اساس عقیده یا مذهب، «مرز قانونی روشنی» برای تحدید آزادی بیان ترسیم می‌کند و جلوی تفسیرهای سلیقه‌ای را می‌گیرد. مضمون مستتر: قانون به‌مثابه سپری در برابر سانسور تبعیض‌آمیز.	**ماده ۸:** اطلاعات موضوع این قانون را نمی‌توان بر اساس عقیده، مذهب یا گرایش سیاسی خاصی سانسور یا توقیف کرد، مگر در موارد مصرح در قانون.

محور پنجم: محدودیت‌های هنجاری و امنیتی

عمده تمرکز این محور در چهارچوب فقهی-حقوقی نظارت اسلامی ریشه دارد. این محور به‌صراحت به تعیین و تحکیم مرزهای غیرقابل عبور برای آزادی بیان می‌پردازد. محدودیت‌های این حوزه عمدتاً ماهیتی ارزشی، ایدئولوژیک و امنیتی دارند و هدف نهایی آنها، پاسداری از مجموعه‌ای خطوط قرمز بنیادین نظام اسلامی است. یافته‌های پژوهش مانند منع اخلال به مبانی اسلام در قانون اساسی، وظیفه صیانت از ارزش‌های اسلامی در اسناد فرهنگی، جرم‌انگاری فعالیت علیه امنیت ملی در فضای مجازی و ممنوعیت اشاعه منکرات، همگی مؤید این نگرش هستند. در این چهارچوب، آزادی بیان نه‌تنها در برابر قوانین عرفی، بلکه در مقابل هنجارهای دینی و امنیت کلان نظام نیز مسئول تلقی می‌شود. این محور نشان می‌دهد که حفاظت از کیان اعتقادی و سیاسی کشور، امری مقدم بر حق بیان فردی شمرده شده و هرگونه سخنی که این اساس را نشانه رود، خارج از دایره حمایت قانونی قرار می‌گیرد.

جدول ۷: مضامین مرتبط با محدودیت‌های هنجاری و امنیتی

نام سند سیاستی	تحلیل سیاست	محتوای سیاست (ماده/بند)
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)	این قید، «**مرز دینی**» آزادی بیان را به‌عنوان خط قرمز بنیادین تعیین می‌کند. مطالب مغایر با مبانی پذیرفته‌شده اسلامی، خارج از دایره حمایت قانونی قرار می‌گیرند. این اصل، بارزترین وجه تمایز چهارچوب ایرانی با مدل‌های سکولار است. مضمون مستتر: **دین به‌مثابه جوهره مشروعیت نظام**.	**اصل ۲۴**: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.
سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۱)	این بند، «**ماموریت صیانتی**» فعال رسانه و نظام فرهنگی را تبیین می‌کند. بر این‌اساس، آزادی بیان نباید به تخریب یا تضعیف ارزش‌های اسلامی-ایرانی بینجامد. مضمون مستتر: **فضای فرهنگی به‌مثابه عرصه جنگ تمدنی**.	**بندهای کلان**: صیانت از هویت و ارزش‌های اسلامی-ایرانی در عرصه فرهنگ و رسانه.
سیاست‌های کلی فرهنگ و رسانه (ابلاغی ۱۳۷۹)	این بند، محدودیت آزادی بیان را مستقیماً به «**صیانت از کلیت نظام سیاسی**» گره می‌زند. هر بیان یا محتوایی که مبانی و ارزش‌های نظام را هدف قرار دهد، مشمول محدودیت می‌شود. مضمون مستتر: **انسجام ایدئولوژیک به‌مثابه اولویت مطلق**.	**بندهای کلان**: ممنوعیت تولید و نشر محتوای مخل به مبانی و ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران.
قانون مطبوعات (۱۳۶۴، اصلاحی ۱۳۷۹)	این ماده «**مرز اخلاق عمومی مبتنی بر شریعت**» را ترسیم می‌کند. بر این‌اساس، آزادی بیان نمی‌تواند توجیه‌گر ترویج اموری باشد که از منظر فقهی «منکر» محسوب می‌شوند.	**ماده ۶**: نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند: مطالب الحادی/ اشاعه

نام سند سیاستی	تحلیل سیاست	محتوای سیاست (ماده/بند)
	مضمون مستتر: **عدم تفکیک حوزه عمومی از اخلاق دینی**.	فحشاء و منکرات/ ترویج اسراف/ ایجاد اختلاف
قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸)	این ماده، «**مرز امنیت ملی**» را به قلمرو بیان دیجیتال تسری می‌دهد. فعالیت‌های برهم‌زننده امنیت ملی در فضای مجازی، جرم‌انگاری شده‌اند. مضمون مستتر: **گسترش مفهوم امنیت ملی به عرصه اطلاعات و روان**. این محدودیت در راستای صیانت از امنیت ملی است و با محدودیت‌های مبتنی بر شریعت در سایر مواد قانونی تفاوت ماهوی دارد.	**ماده ۱۵**: هر کس به قصد برهم زدن امنیت ملی... از طریق سامانه‌های رایانه‌ای... اقدام نماید... مجازات خواهد شد.
سیاست‌های کلی فضای مجازی (ابلاغی ۱۳۹۹)	این بند، موضع «**دفاع فعال فرهنگی**» در برابر جریان محتوای جهانی را نشان می‌دهد. آزادی بیان در این فضا نباید به سلطه فرهنگی بیگانه یا تخریب هویت ملی-دینی منجر شود. مضمون مستتر: **فضای مجازی به‌مثابه میدان تهاجم و دفاع نرم**.	**بندهای کلان**: صیانت از هویت فرهنگی و ارزش‌های دینی و ملی در فضای مجازی.

علاوه بر محوربندی مذکور از بندهای اسناد بالادستی، در بررسی‌های انجام شده برخی موارد به‌عنوان نقاط قوت و ضعف اسناد بالادستی در تبیین و ترسیم آزادی بیان احصا شد که در قالب جدول زیر اراده می‌گردد:

جدول ۸: نقاط قوت و ضعف چهارچوب آزادی بیان رسانه در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران

نقاط قوت	نقاط ضعف (یا چالش‌ها)
۱. **ایجاد یک چهارچوب هنجاری منسجم و بومی**: تلفیق نظریه مسئولیت اجتماعی، توسعه‌ای و چهارچوب فقهی-حقوقی، منجر به شکل‌گیری الگویی یکپارچه و منطبق با مبانی نظام شده است.	۱. **کلی‌گویی و ابهام در برخی مفاهیم کلیدی**: مفاهیمی مانند «مبانی اسلام»، «اخلاق عمومی» یا «اخلال در حقوق عمومی» می‌توانند برداشت‌های بسیار متفاوت و گاه سلیقه‌ای داشته باشند و فضای مانور گسترده‌ای برای تفسیرهای نظارتی ایجاد کنند.
۲. **تأکید همزمان بر حق و مسئولیت**: به‌رسمیت شناختن حق بنیادین آزادی بیان در کنار تصریح بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رعایت حدود، از افراط و تفریط نظری جلوگیری کرده است.	۲. **تمرکز بر محدودیت‌ها و نظارت، بیش از حمایت و تضمین**: درحالی‌که حدود آزادی به تفصیل بیان شده، سازوکارهای عملی و نهادهای حمایتی قوی برای **تضمین اجرایی** همان آزادی‌های مشروع تصریح‌شده، کمتر توسعه یافته است.
۳. **نگاه پیش‌گیرانه و هدایت‌گر**: طراحی نهادهای نظارتی (مانند هیئت نظارت بر مطبوعات) نشان‌دهنده تلاش برای هدایت رسانه و پیشگیری از تخلف، به‌جای صرف برخورد کیفری پسینی است.	۳. **عدم پویایی همگام با شتاب تحولات رسانه‌ای**: اسناد بالادستی عمدتاً متوجه رسانه‌های سنتی‌تر هستند و اگرچه به فضای مجازی اشاره شده، ولی چهارچوب حقوقی و نظارتی برای پدیده‌های نوینی مانند سکوهای تعاملی، هوش مصنوعی در تولید محتوا و... به سرعت تحولات، توسعه نیافته است.
۴. **صراحت در ترسیم خطوط قرمز هنجاری و امنیتی**: مرزهای غیرقابل عبور مرتبط با امنیت ملی، ارزش‌های دینی و اخلاقی به‌وضوح مشخص شده‌اند که می‌تواند موجب پیش‌بینی‌پذیری نسبی برای فعالان رسانه‌ای شود.	۴. **امکان تأثیرپذیری از تفسیرهای سیاسی**: نزدیکی ساختار نظارتی به قوای حاکمیتی (نظیر شورای نظارت بر صداوسیما) این خطر را ایجاد می‌کند که تفسیر از «مصالح نظام» یا «خط قرمزها» بیش از آنکه بر اساس معیارهای ثابت حقوقی-فقهی باشد، تحت تأثیر ملاحظات سیاسی کوتاه‌مدت قرار گیرد.
۵. **تلاش برای تعادل‌بخشی بین سنت و نوآوری**: در منشور حقوق شهروندی، حق آزادی بیان به «هر شکل و بدون توجه به مرزها» تعمیم یافته که نشان‌دهنده تلاش برای انطباق با جهان دیجیتال است.	۵. **ضعف در سازوکارهای شفافیت و پاسخگویی نهادهای ناظر**: فرایندهای تصمیم‌گیری در نهادهای نظارتی (مانند دلایل رد مجوز یا تذکرات) غالباً به اندازه کافی شفاف و قابل تجدیدنظر مستقل نیستند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین چهارچوب آزادی بیان رسانه‌ای در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، با رویکردی کیفی و از طریق راهبرد تحلیل مضمون انجام شد. یافته‌های پژوهش که از تحلیل محتوای هفت سند کلیدی استخراج گردید، نشان می‌دهد که منظومه فکری حاکم بر این حوزه، نه مبتنی بر یک اصل ساده، بلکه برآمده از تلفیقی پیچیده و چندلایه از مبانی نظری و ارزشی است. چهارچوب شناسایی‌شده را می‌توان در قالب پنج محور اصلی که درمجموع، الگویی ترکیبی از «آزادی هدایت‌شده در سایه نظارت مسئولیت‌پذیر» را ارائه می‌دهند و به‌هم‌پیوسته صورتبندی نمود: آزادی مشروط و مسئولیت‌پذیر، نظارت و تنظیم‌گری نهادی، رسانه به‌مثابه ابزار هدایت فرهنگی، ابعاد حقوقی و ساختاری، و محدودیت‌های هنجاری و امنیتی.

این چهارچوب، یک الگوی بومی و ترکیبی از حکمرانی رسانه‌ای را ارائه می‌دهد که در آن حق بنیادین آزادی بیان به‌رسمیت شناخته می‌شود؛ اما این حق، ذاتاً مقید و مسئولیت‌پذیر تعریف شده است. محور اول، هسته این توازن را نشان می‌دهد: آزادی نه به‌مثابه حقی مطلق، بلکه به‌عنوان امتیازی که در ازای پذیرش مسئولیت‌های پیشینی نسبت به مبانی اسلام و حقوق عمومی اعطا می‌گردد. سه محور بعدی، سازوکارهای عملیاتی تحقق این ایده را تشکیل می‌دهند: از یک‌سو، با ایجاد ساختارهای نظارتی چندلایه مانند شورای نظارت بر صداوسیما و هیئت نظارت بر مطبوعات، مسیر رسانه در چهارچوب اهداف توسعه‌ای و فرهنگی هدایت می‌شود و از سوی‌دیگر، از طریق تدوین قوانین جزئی‌نگر و کیفری در قانون مطبوعات و جرایم رایانه‌ای، حدود آزادی به‌طور عینی و قابل پیش‌بینی تعیین می‌گردد تا از سوءاستفاده جلوگیری شود. درنهایت، محور پنجم به‌وضوح خطوط قرمز غیرقابل عبور این چهارچوب را ترسیم می‌کند که صیانت از کیان اعتقادی مبانی اسلام، امنیت ملی و ارزش‌های اخلاقی دینی را به‌عنوان اهدافی مقدم بر آزادی بیان فردی قرار می‌دهد.

درمجموع، می‌توان نتیجه گرفت که چهارچوب آزادی بیان در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، یک مدل آزادی هدایت‌شده در سایه نظارت مسئولیت‌پذیر است. در این مدل، رسانه‌ها آزادی عمل دارند؛ اما این آزادی در یک میدان از پیش طراحی‌شده تعریف می‌شود

که هدف نهایی آن، نه صرفاً تضمین حق فردی، بلکه خدمت‌رسانی به طرح بزرگ‌تر حفظ و تقویت نظام اسلامی–ایرانی از طریق ابزارهایی چون آگاهی‌بخشی جهت‌دار، مهندسی فرهنگی و مقابله با تهدیدات هویتی و امنیتی است. این چهارچوب، از الگوهای سکولار غربی که در آن آزادی بیان غالباً حقی فردی و مقدم فرض می‌شود، متمایز است و بر اولویت جمع و ارزش‌های فرافردی در تعریف حدود آزادی تأکید می‌ورزد. فهم این چهارچوب منسجم، می‌تواند مبنایی برای کاهش تعارضات تفسیری و عملکردی در فضای رسانه‌ای کشور فراهم آورد و راهنمای سیاست‌گذاران، فعالان رسانه‌ای و پژوهشگران این حوزه قرار گیرد. پژوهش حاضر به‌عنوان یک مطالعه بنیادین در سطح اسناد بالادستی، به حوزه اجرا و تفسیر قوانین و نیز تنوع گونه‌های رسانه‌ای (نظیر رسانه‌های اجتماعی، سکوهای برون‌مرزی و رسانه‌های مخاطب‌محور) ورود نکرده است. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با روش‌های کیفی و کمی به بررسی نسبت چهارچوب استخراج‌شده با هر یک از این گونه‌های رسانه‌ای و نیز رویه‌های اجرایی و قضائی مرتبط با آزادی بیان بپردازند».

منابع و مآخذ

ابوالمعصومی، نرگس (۱٤۰٤). «نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی»، *فصلنامه تمدن حقوقی*، شماره ۲٤.

احمدی، سیدمحمدصادق (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی محدودیت‌های آزادی بیان در تلویزیون از منظر اسناد بین‌الملل حقوق بشر و حقوق موضوعه ایران»، *مجله پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۵۲.

بابازاده مقدم حامد و اسدی عباس (۱۳۹۵)، «مقررات گذاری برای سایت های خبری در ایران، چالش های و راهکارها»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، شماره ٥٤.

تقی‌پور، فائزه و همکاران (۱٤۰۰). «پدیدارشناسی ابعاد آزادی بیان در رسانه‌های ایران از دیدگاه اساتید علوم ارتباطات»، *دوفصلنامه رسانه و فرهنگ*، سال ۱۱، ش۱، صص ۱٤۱–۱۵۸.

دادگران، محمد (۱۳۹۰). *مبانی ارتباطات جمعی*، تهران: مروارید.

زابلی‌زاده، اردشیر و افخمی، حسینعلی (۱۳۹۲). استفاده از نظریه چارچوب‌بندی در تبیین اثرات اخبار: مفاهیم و پژوهش‌ها. *پژوهش‌های ارتباطی*.

سورین، ورنر جی. و تانکارد، جیمز دبلیو. (۱۳۸۵). *نظریه‌های ارتباطات*؛ ترجمه علیرضا دهقان. تهران: دانشگاه تهران.

کازنو، ژان (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*. ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. تهران: اطلاعات.

کاستلز آمانویل، (۱٤۰۲) *قدرت ارتباطات*؛ ترجمه حسین بصیریان جهرمی، تهران: نشر علمی فرهنگی.

گافمن، اروینگ (۱٤۰۳)، *نمود خود در زندگی روزمره*، ترجمه مسعود کیان‌پور. تهران، نشر مرکز.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *نظریه سیاسی اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) .

مک‌کوییل، دنیس (۱۳۸۸). *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی*، ترجمه پرویز اجلالی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

قوانین و اسناد مرتبط

سیاست‌های کلی فرهنگ و رسانه (۱۳۷۹)

سیاست‌های کلی فضای مجازی (۱۳۹۹)

منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۵)

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۰). *سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات*.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۳). *نقشه مهندسی فرهنگی کشور*. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳٦۸). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات و بازنگری سال ۱۳٦۸*.

https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=۶۶۲۳۷۰۲۰۵۵۳۱۷۲۱۸۷۲۹

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات. (۱۳۸۷).

https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=۱۲۵۹۶۴۰۲۰۸۸۰۹۹۳۹۲۵۴۲

قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸).

https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=۱۶۲۸۰۹۵۷۸۲۶۸۷۷۲۵۲۳۴۹

قانون مطبوعات (۱۳٦٤).

https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=۱۴۲۱۶۸۴۰۹۶۸۲۲۳۶۶۰۲۱۱

Moroojo, M. Y., Madni, M. A., & Shabbir, T. (2024). Censorship vs. freedom of speech: Analyzing the role of PEMRA in regulating Pakistani media. *International Research Journal of Management and Social Sciences, 5*(2), 842–855.

Vese, D. (2022). Governing fake news: The regulation of social media and the right to freedom of expression in the era of emergency. *European Journal of Risk Regulation, 13*(3), 477–513. https://doi.org/10.1017/err.2021.48

Voorhoof, D., & Cannie, H. (2010). Freedom of expression and information in a democratic society: The added but fragile value of the European Convention on Human Rights. *The International Communication Gazette, 72*(4–5), 407–423. https://doi.org/10.1177/1748048510362711